

تاریخ جدید یزد

تاریخ محلی یزد در سده نهم هجری / پانزدهم میلادی*

تألیف: Isabel Miller
ترجمه: دکتر منصور صفت گل
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

در آذربایجان به دست جهانشاه در ۸۵۶ / ۱۴۵۲ در برمی گیرد. بنابر تاریخ جدید یزد و بدون در نظر گرفتن درستی یا نادرستی آگاهی‌هایی که عرضه می‌کند، بنای اولیه شهر قلمه‌ای بود که اسکندر مقدونی آن را به اشاره ارسطو ساخت.^۹ بنابراین یزد وجود خویش را مدیون پهلوانی بزرگ از گذشته ایران است. مرحله مهم بعدی پیشرفت یزد در روزگار ساسانیان بود. احمدبن حسین می‌گوید که یزد اقطاع خاندان شاهی بود.^{۱۰} از این هنگام به بعد است که در واقع گزارش‌های مربوط به زندگانی و حیات شهر و توابع آن آغاز می‌شود. احمدبن حسین در این فصل جزئیات فراوانی را درباره تاریخ یزد ارائه می‌کند. آگاهی‌هایی که در اثر او آمده فقط قابل مقایسه با اطلاعاتی است که درباره شهر یزد در عهد تألیف اثرش ارائه می‌شود. شاهزادگان ساسانی مانند بلاش بن یزدگرد و قباد بن فیروز قصرها، آتشکده‌ها و قنوت را ساختند.^{۱۱} و دختر انوشیروان قریه مهرجرد را بنا نهاد. قریه‌ای که باغ‌های میوه‌ای داشت که سیب‌ها و شفتالوهای سرخ و سفید محصول آنها بود.^{۱۲}

ظاهراً به روزگار خلفای اموی و عباسی، فعالیت‌های مرتبط با ساخت عمارات در یزد به حداقل رسیده بود و هیچ خان یا شاهزاده‌ای بر شهر مسلط نبود. این امر تا زمانی که بنی کاکویه در عهد سلاجقه از اصفهان به یزد آمدند ادامه داشت. از این زمان به بعد گسترش تدریجی و مداوم شهر یزد آغاز شد. شهر یزد در عهد اتابکان و مظفریان همچنان روبه رشد بود. رشدی که در عهد شاهرخ تیموری به اوج خویش رسید.

از دیدگاه احمدبن حسین، یزد که حاکمان و فرمانروایان و خانواده‌های ثروتمندان آن را ساختند مکانی مطبوع و زیبا بود. اطراف خیابان‌های شهر، مساجد و مدارس قرار داشتند، مدارسی مثل «مدرسه رکنیه» و «مجموعه شمسیه» (به مطلب پس از این نگاه کنید).

شهر همچنین دارای چندین بازار و کاروانسرای وسیع،

رشد کنند. از سوی دیگر ظهور آنان صرفاً به دلیل ارتباط آنان با دیگر شهرها و کانون‌های فرهنگی نیز نبود. افزون بر آن این مطلب که در سده نهم / پانزدهم دو مورخ تاریخ محلی یزد ظهور کردند، تصادفی نیست. این دو مورخ را می‌توان هم برآیند جامعه پرورونق یزد که به توصیف آن پرداخته‌اند در نظر گرفت و هم به مثابه نماینده شکوه جامعه و شهر یزد به‌شمار آورد.

تاریخ جدید یزد مخصوصاً تلاشی خودبسنده و آگاهانه برای ثبت حتی جزئیات زیبایی‌های محلی است. احمدبن حسین بود. احساس احمد بن حسین این بود که جعفری این وظیفه، یعنی ثبت زیبایی‌های یزد را به شیوه‌ای بسنده انجام نداده است زیرا «چند فصل تحقیق ناکرده نوشته بوده».^{۱۳} او در مقدمه کتابش می‌گوید: «یزد شریف‌ترین بلده ایست از اقالیم سیوم، هوایش در غایت اعتدال و صحت و سلامت است» سپس به ذکر فضایل خاک، آب و زیبایی بناهای یزد، مساجد باشکوه و اماکن مقدسه‌اش، میوه‌های خوشمزه، اعیان، مؤمنین و مردمان سخت کوشش می‌پردازد.^{۱۴}

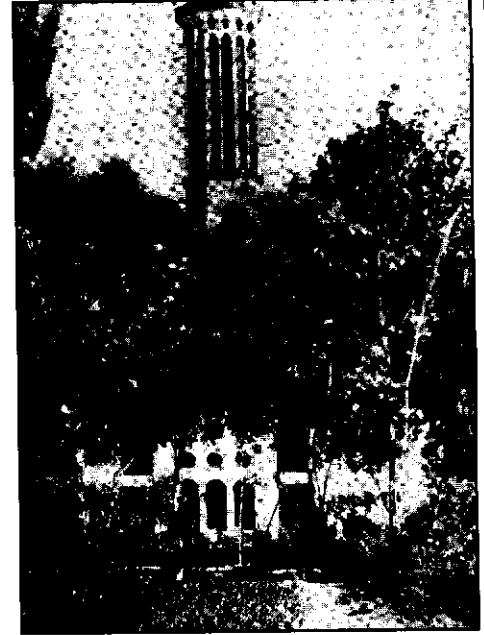
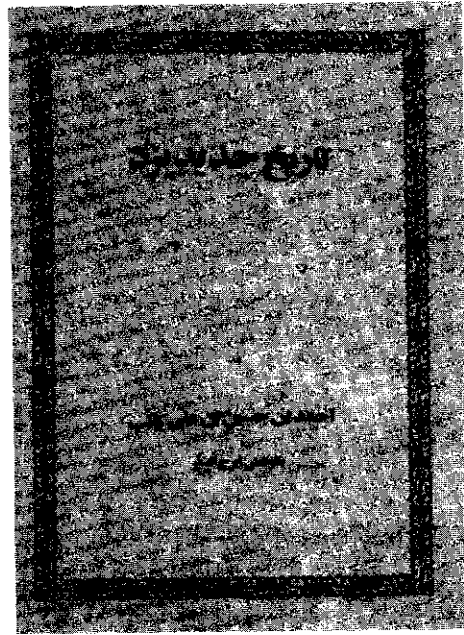
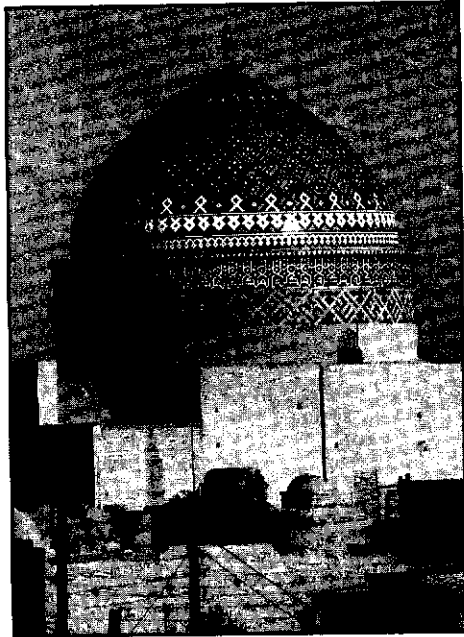
اندیشه‌ای که تلویحاً در دیباچه این کتاب ابراز می‌شود و طی آن محتوای کتاب به صورتی خلاصه مطرح می‌گردد، ناظر بر این مطلب است که تاریخ جدید یزد بدین نکته خواهد پرداخت که چگونه شهر یزد از یک زمینه ویژه پیروی کرده است و نیز این مطلب را روشن خواهد ساخت که طی این کتاب نیکویی‌ها و فضایل شهر و ساکنانش مطرح خواهد شد.

کتاب تاریخ جدید یزد در برگزیده دوازده فصل است. شش فصل نخست این کتاب به تاریخ یزد از آغاز تا یورش‌های تیمور در دهه‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ میلادی اختصاص دارد. چهار فصل بعدی شامل توصیفی مکان‌نگارانه از این شهر در روزگار حاکمیت تیموریان است که فصول اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند. دو فصل آخر رویدادهای اواخر عهد شاهرخ، فرزند تیمور و جنگ جانشینی پس از مرگ شاهرخ را تا هنگام تأسیس دولت قره‌قویونلو

سده نهم / پانزدهم شاهد شکوفایی قابل توجه تاریخ‌نویسی توسط یزدیان بود.^{۱۵} نامدارترین مورخ یزدی این عهد بدون شک شرف‌الدین علی یزدی بود که زندگی‌نامه تیمور را با عنوان ظفرنامه نوشت. یکی از مهمترین منابع شرف‌الدین علی یزدی برای نگارش بخشی از ظفرنامه، روزنامه غزوات هندوستان تألیف شهاب‌الدین منشی بن غیاث‌الدین علی یزدی بود.^{۱۶} از میان منابع تاریخ‌نگاری ایران مرکزی و جنوبی در این دوران، چند منبع پراهمیت که به خوبی شناخته نشده و شهرت نیافته‌اند وجود دارند که از این گروه می‌توان به تاریخ جعفری تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری و جامع التواریخ حسنی تألیف شهاب شاعر منجم اشاره کرد. جعفری همچنین یک تاریخ محلی یزد به نام تاریخ جدید یزد نوشت که آن را در میانه سده نهم / پانزدهم تکمیل کرد و مدت زمان کوتاهی پس از آن احمدبن حسین علی کاتب تاریخ جدید یزد را تألیف کرد. البته گسترش تاریخ‌نویسی محلی یزد در این دوران مسبوق به سابقه بود زیرا در سده هشتم / چهاردهم معین‌الدین یزدی، تاریخ آل مظفر را نوشت و آن را مواهب الهی نامید.

چگونگی ظهور این گروه از مورخان یزدی به بررسی گسترده‌تری نیاز دارد. با این همه می‌توان به نکاتی اساسی در این باره اشاره کرد. یزد در سده نهم کانون پرورونق و پیشرفته تجارت پارچه بود. در سده پیشین تا میانه سده نهم / پانزدهم یزد هنوز شهری بزرگ بود. آنچه بیش از هر چیز قابل توجه می‌نموده وجود شمار قابل توجهی مدرسه در یزد بود که تعداد آنها به بیست و نه مدرسه می‌رسید. بر این مورد می‌توان موقوفات فراوان رکن‌الدین قاضی و فرزندش شمس‌الدین را افزود که هر دو از دیوانسالاران دولت ایلخانی بودند.

چگونگی ارتباط فرهنگی و آموزشی میان مدارس و مورخان یزدی روشن نیست، اما این مطلب روشن است که دانشمندان متاخر مسلماً نمی‌توانستند در فضایی از نظر فرهنگی سترون



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / مرداد و شهریور ۱۳۸۰

اشراف در این آستانه آرامگاه و کوشک ساختند و سبب ساز گسترش عمومی آن شدند.

آستانه مهم دیگر یزد، مزار تقی الدین ده ده و اخلاف او بود. تقی الدین پرنفوذترین شیخ صوفی یزد در سده هشتم / چهاردهم به شمار می‌رفت. آل مظفر موقوفاتی بی‌شمار بر آن وقف کردند و رکن الدین قاضی هشت خانقاه را برای مریدانش وقف کرد.^۸ دیگر رهبران برجسته دینی، شیوخ صوفی و ملاها، مزارها و آستانه‌های خویش را داشتند. از طریق این کانون‌ها، نفوذ این رهبران استمرار می‌یافت و اعتقاد بر این بود که اعمال مذهبی برای مردم یزد در درجه اول اهمیت قرار داشت و این مراکز نشان آشکار پارسیایی مردم یزد بود. معجزات نیز از دیگر دلایل این امر بود. در کتاب احمدبن حسین حکایات فراوانی درباره خرق عادات شیوخ صوفی نقل شده است. وجود این حکایات نکته‌ای درخور توجه درباره تاریخ جدید یزد، به عنوان یک متن تاریخی به ذهن متبادر می‌کند. در مورد معجزات یا کراماتی که در این کتاب مطرح شده‌اند نباید با درک امروزی به آنها نگریست. از دید احمدبن حسین و معاصران او، این معجزات واقعاً روی داده بودند. این معجزات گواهی بر قدرت خداوند و اراده او برای خلق جهان به همان صورتی که خواست او بود، به شمار می‌رفت که بر رویدادهای سیاسی، نبردها یا تأسیس شهرها پیشی می‌گرفت. در واقع این مراکز به عنوان نماد قدرت و واقعیت الهی در نظر گرفته می‌شدند.

بسیاری از این معجزات در حقیقت بخشی از رویدادهای تاریخی یا پیشگویی‌هایی درباره آنها بودند. سلطان حاجی محمدشاه فرزند تقی الدین ده ده (دادا) پیشگویی کرد که شاه شجاع مظفری پدرش مبارزالدین محمد را از سلطنت خلع خواهد کرد. او این مطلب را هنگامی به مبارزالدین محمد گفت که وی در حال ساختن قلعه‌ای در میدان بود.^{۱۰} یک صوفی دیگر به نام شیخ علی سبب شد تا شاه شجاع که آهنگ عزیمت به یزد کرده بود، به شیراز بازگردد. شیخ علی به درگاه خداوند دعا کرد و شاه شجاع بی‌درنگ به درد شدید شکم دچار گردید. شاه شجاع از شیخ علی خواست تا آن را برطرف کند و شیخ مقداری نان خشک به او داد تا بخورد. پس از آن شاه شجاع بهبود یافت و از شیخ عذرخواست و او را ثنا گفت و به شیراز بازگشت.^{۱۱}

این داستان مختصر و رمزی بیان شده اما قدرت منسوب به شیخ علی را ارائه می‌کند. اگر بخواهیم درباره ریشه این امر که چرا شاه شجاع لشکریان خویش را به شیراز بازگرداند بیشتر جست‌وجو کنیم، حکایت مربوط به شیخ احمد صوفی که در سده ششم / دوازدهم می‌زیست، می‌تواند آن را تبیین کند.

این کتاب مؤید همین مطلب است. بنابر دیباچه احمدبن حسین بر کتابش، یزد دارالعباده به شمار می‌رفته است.^{۱۲} در تاریخ جدید یزد اهتمامی جدی به تاریخ مذهبی یزد نشان داده شده و در حقیقت می‌توان آن را گزارشی دربارهٔ پارسامندی یزدیان نیز تلقی کرد.

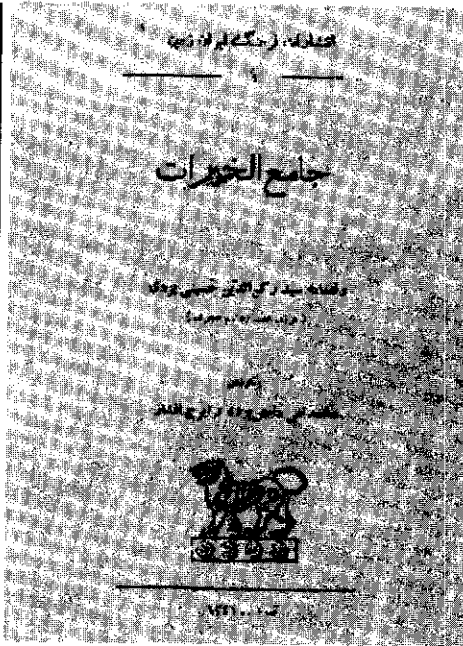
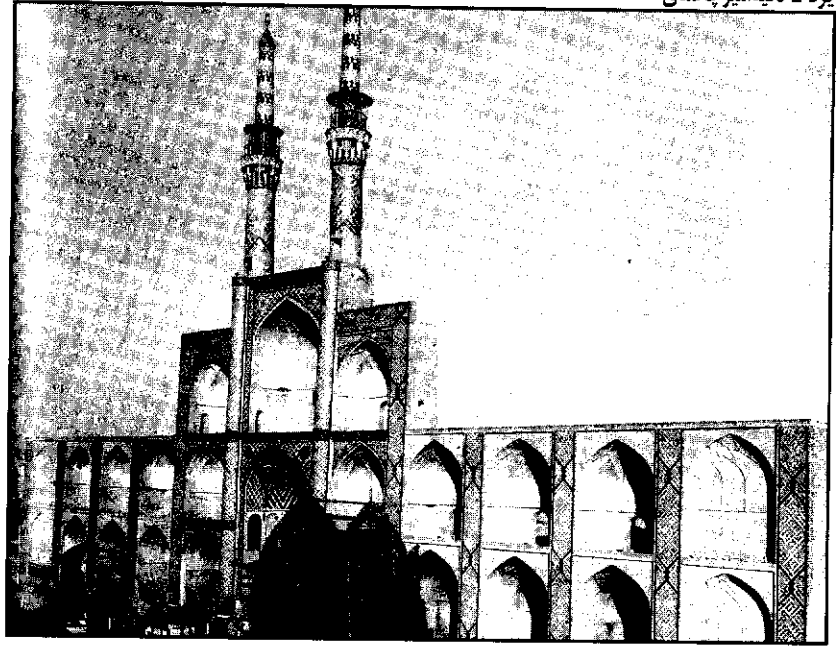
پیش از اسلام نیز یزدیان مردمی دیندار و یزد، مکانی مقدس به شمار می‌رفت. در قریه میبد زیارتگاهی زرتشتی وجود داشت که در آن آتشی که از هفت آتشکده - آتشخانه - مشهور آورده شده، فروزان بود. این مکان مقدس را شاه قباد بنا نهاد و چندی پس از آن شاهد معبد (؟) پس از دعا کردن در آن از یک بیماری شفا یافت. سلیمان پیغمبر به دلیلی دستور داد تا در این محل قلعه‌ای بنا نهد. احمدبن حسین در فصلی که درباره ساسانیان سخن می‌گوید نسبت به زرتشتی‌گری به عنوان دین ایرانیان پیش از اسلام احترام درخور توجهی ابراز می‌کند. گرچه پس از فتوحات اعراب، یزد کانون مسلمانان پرهیزگار شد.^{۱۳}

فصل هشتم که به ائینه مذهبی و پیشینه آنها اختصاص یافته، طولانی‌ترین فصل کتاب است. به نظر می‌آید مرافق و مزارهای شیوخ صوفی در داخل و بیرون شهر یزد حتی از مدارس و مساجد نیز پراهمیت‌تر تلقی می‌شده‌اند. مهم‌ترین این زیارتگاه‌ها، مرقد امامزاده ابو جعفر بود. نویسنده در گزارش خویش درباره این امامزاده، به زندگی امامزاده ابو جعفر پرداخته است و در ضمن، گزارشی کوتاه درباره منازعه خونین میان عباسیان و علویان در دیباچه این مطلب ارائه کرده است.^{۱۴} بنابر گزارش احمدبن حسین، هنگامی که عباسیان در سده دوم هجری / هشتم میلادی به قدرت رسیدند، هشتاد هزار اموی را کشتند و سپس به جشن و پایکوبی پرداختند.^{۱۵} با وحشی که این اقدام عباسیان ایجاد کرد، همه گروه‌های اجتماعی، جز علویان، به حاکمیت عباسیان گردن نهادند. علویان به دعوت خویش در ولایات سامان دادند و هرجا عباسیان را به چنگ می‌آوردند، آنان را می‌کشتند. عباسیان نیز در واکنش به این اقدام علویان به قتل علویان دست می‌بازیدند. پس از اینکه یکی از اعضای خاندان زبیدن یحیی در سال ۱۶۰/۲۰۶-۱۶۱ در نواحی جنوبی عراق قیام کرد و شکست خورد و نیز پس از ایجاد خسارت در آستانه کربلا، امامزاده ابو جعفر از بغداد گریخت.^{۱۶} دوره زندگانی ابو جعفر در یزد که مورد احترام عمیق حاکم بویهی آن قرار داشته دورانی از پرهیزکاری و معجزه بود. مخصوصاً او شیرینی را که سبمل علی (ع) بود، اهلی کرد.^{۱۷} از این رو آستانه امامزاده ابو جعفر در یزد کانونی برای نیایش، اعمال دینی و موقوفات و ثنورات گردید. در نیمه سده نهم / پانزدهم شماری از اعیان و

مخصوصاً کاروانسرای «دارالفتح» و چندین حمام بود. یزد چندین رشته قنات و شماری دهنه چاه داشت که اعیان و شاهزادگان برای تأمین آب ساکنان شهر ساخته بودند. آن سوی دیوارهای شهر، خانه‌های زیبا و کوشک‌هایی در باغ‌ها ساخته شده بود و البته در این مناطق نیز مساجد، خانقاه‌ها و مزاراتی وجود داشتند که از جمله آنها می‌توان به مسجد جدید که آن را امیر چخماق، حاکم شهر در عهد شاهرخ ساخته بود، اشاره کرد.^۹ از دیگر نمونه‌های گسترش یزد توسط خاندان‌های ثروتمند در عهد تیموریان، می‌توان به خانه، کاروانسرا، حمام و مسجدی که حاجی صدرالدین احمد ایبوردی در محله سرریگ ساخته بود اشاره کرد. او دلال و تاجر ابریشم بود.^{۱۸}

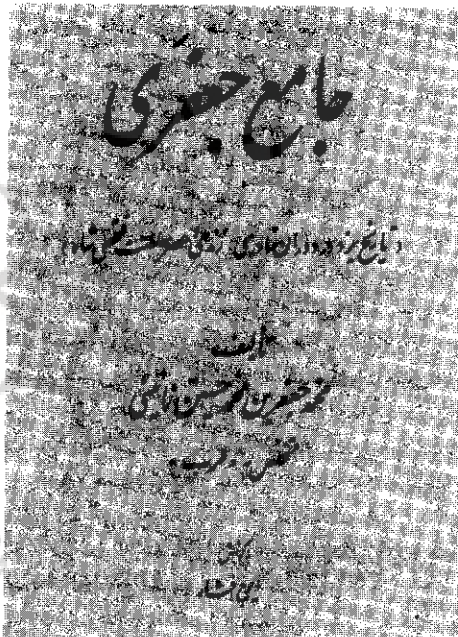
توصیف بناها که به موارد زیبایی آنها مربوط می‌شود یعنی بادگیرها، درختان سرو و گل‌های باغ‌ها، جام‌های الوان پنج‌رنگ‌ها، مرمرها و کاشی‌کاری‌ها، کتیبه‌ها و جدارهای منقش، همه این موارد تأثیری قابل توجه در بیننده برجا می‌گذارند و نوعی احساس هماهنگی و توازن را برقرار می‌کنند.

از دیدگاه احمدبن حسین، رشد و رونق شهر یزد منوط به حضور خاندان سلطنتی و یا اعیان و اشراف بود، که البته همواره وجود نداشت. زیرا یزد انواری از رکود را نیز شاهد بود. بهترین فرصت‌ها برای یزد زمانی بود که شاهزاده‌ای در یزد ساکن می‌شد و مستقیماً در امور قلمرو حکومتی خویش درگیر می‌گردید. در چنین مواردی فرض بر این بود که او حاکمی عادل و مسوول است. بهترین نمونه برای این مورد، مربوط به مبارزالدین مظفر در میانه سده هشتم هجری قمری است. مبارزالدین محمد و خاندانش گذشته از توسعه شهر یزد اقداماتی نظیر احداث ده روستا، بازسازی حصارها، بنای اقامتگاه‌های زیبا و بازارها و تأسیس مساجد و مدارس صورت دادند.^{۱۱} به نسبت توجه به تاریخ معماری و گزارش‌های مربوط به اوضاع شهر، تاریخ سیاسی این دوران در مرحله دوم اهمیت قرار می‌گیرد. گرچه به نسبت دیگر سلسله‌هایی که در کتاب درباره آنها گزارش آمده، مظفریان جای چشمگیری دارند، اما در موضوع اصلی کتاب، پدیده‌ای منحصر به فرد تلقی نمی‌شوند. مثلاً پادشاهان ساسانی و فرزندانشان گرچه به عنوان فرمانروایی بزرگ مطرح می‌شوند، اما نکته اصلی برای احمد بن حسین این است که آنان چه خدمتی به یزد کرده‌اند. در سراسر کتاب از آن دسته کسانی که بسیار کم به یزد خدمت کرده‌اند یا آنهایی که خدمتی انجام ندادند، تقریباً ذکری به میان نمی‌آید. حتی اگر این خاندان‌ها، در روزگار حاکمیت بر یزد بسیار قدرتمند نیز بوده‌اند. نحوه ارائه اطلاعات درباره سامانیان و طاهریان در



در تاریخ جدید یزد اهتمامی جدی به تاریخ مذهبی یزد نشان داده شد. و در حقیقت می توان آن را گزارشی درباره پارسا منشی یزدیان نیز تلقی کرد

در کتاب احمد بن حسین حکایات فراوانی درباره خرق عادات شیوخ صوفی نقل شده است. وجود این حکایات نکته ای در خور توجه درباره تاریخ جدید یزد، به عنوان یک متن تاریخی به ذهن متبادر می کند



شیخ احمد صاحب جمع روستایی را که محل سکونت او بود، به دلیل رفتار بی رحمانه اش با روستاییان ملامت کرد و به او یادآور شد که اگر با رعیت رحیم باشی، خداوند بنو رحمت خواهد کرد. صاحب جمع در شیخ احمد خندید و به او گفت که به خدایش بگوید تا وی را قبض روح کند. شیخ احمد چنین کرد و صاحب جمع افتاد و مرد.^{۲۱} قدرت شیخ صوفی دست کم گرفته نمی شد. گاهی اوقات قدرت یک شیخ به صورت خرق عادات مطرح می شد. بابا نصر نمونه ای از چنین مقدسینی بود. او در تمام سال در سرما و گرما و در برف و باران و شب و روز در فضای آزاد روی زمین می خوابید.^{۲۲} رفتار عجیب او، از دید یزدیان نشانه تقدس او به شمار می رفت. حکایت های دیگری نقل شده اند که نشان دهنده سلطه شیوخ صوفی بر زمان و مکان هستند. برای نمونه می توان از شیخ فریدالدین عبدالباقی یاد کرد. که گفته شده روز عرفه در کازرون در جنوب غربی ایران دیده شده و یک روز بعد در روز عید در مکه و در کنار کعبه بوده است.^{۲۳} بنابراین فضایی که در تاریخ جدید یزد تصویر می شود، فضایی خیالگونه و فراطبیعی است. دنیایی که در آن معجزات رخ می دادند و می توانستند دوباره اتفاق افتند.

در ادامه این گزارش، این مطلب اهمیت دارد که دو فصل بعدی کتاب به ارائه گزارشی درباره باغها و قریهها و آبهای یزد اختصاص یافته است. پس از ذکر گزارشی درباره بناهای مدارس و مساجد و مزارات، نوبت به ذکر باروری یزد می رسد که خود شاهدی بر پارسایی مردم خداترس و سختکوش دارالعباده یزد است. تصویر احمد بن حسین از طراوت و سرسبزی و اشجار و آب های جاری یزد محتملاً آرمانی است. یزد به طور طبیعی سرزمینی حاصلخیز نیست و کشاورزی سنتی آن متکی به یک رشته قناتی بود که با دقت نگهداری می شدند. با این همه می توان با احمد بن حسین موافق بود که او به یک مطلب ویژه اشاره دارد. قنات ها را شاهزادگان و اعیان و اشراف مؤمن بنا می کردند. بسیاری از آنها موقوفه بودند نظیر مواردی که وقف مدرسه «شمسیه» و «رکنیه» شده بودند.^{۲۴} این قنات ها آب مورد نیاز مدارس و مساجد را تأمین می کردند. اما از این آب در کشاورزی نیز استفاده می شد. بنابراین با اهتمام مردم خیر و مؤمن یزد، یزد حاصلخیز باقی می ماند، کمالاتی که به همین دلیل مؤسسات مذهبی آن پر رونق می ماندند. می توانیم فرض کنیم که احمد بن حسین به هنگام ارائه گزارش خویش درباره حاصلخیزی یزد آن را با توجه به آیه قرآنی زیر در نظر می گرفته و ارائه کرده است: «و بَشِّرَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

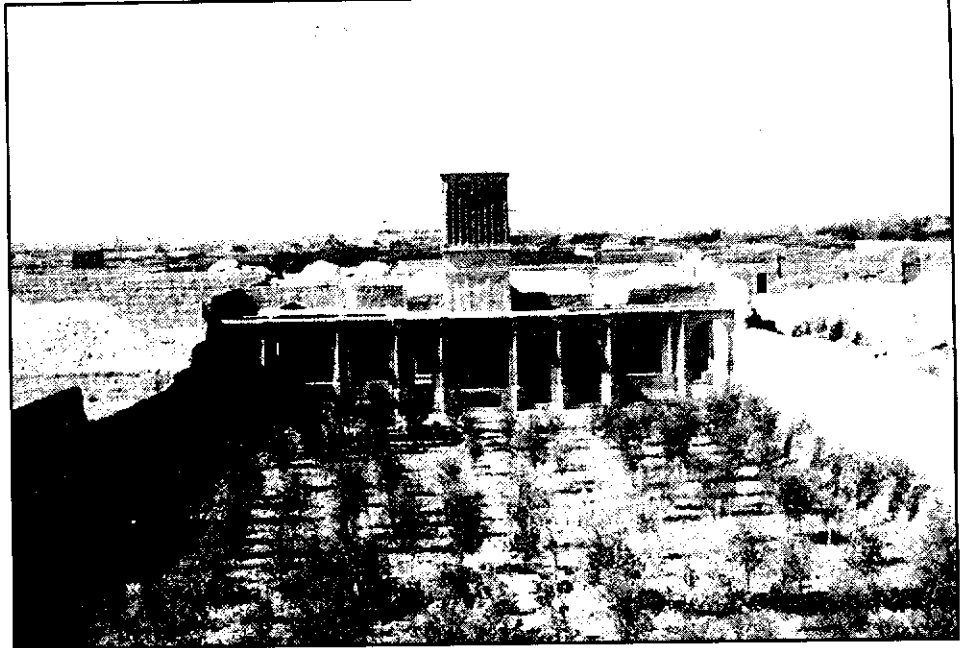
اقتصادی نمی داند. او با ارائه این گزارشها در پی آن است تا به خواننده یادآوری کند که حقیقتی برتر سبب این رونق شده است. از دید او تدین و پرهیزگاری سبب رونق و رفاه می شود. چنان که به این مطلب در ضمن آیه قرآنی که قبلاً نقل شده اشاره شده است. به نظر او آنچه در نهایت سبب رونق و رفاه می شود، خواست خداست و یزدیان مؤمن و سختکوش مورد مرحمت خداوند قرار گرفته اند. اما اگر اراده خداوند بر این قرار نگیرد که مردی یا شهری ثروتمند از ثروت های خویش بهره گیرد، در این صورت همه چیز عبت می شود و همه در برابر خواست خداوند بی اختیار هستند. در فصل آخر کتاب، مطالبی درباره جنگ های پس از مرگ شاهرخ تیموری، قحطی، بیماری واگیردار و سیل، ارائه شده که تجسمی از خواست خداوند به شمار رفته اند. اما این رویدادها به عنوان خشم و غضب کینه جویانه خدای قادر مطلق معرفی نمی شوند. از دید نویسنده خشم خداوند بر یزدیان نازل نمی شود زیرا یزدیان مؤمن بودند. از سوی دیگر احمد بن حسین چون نویسنده ای رده بالا بونه این مطلب را به چنین شیوه ای ارائه کرده بود. واقعیت این است که دیگر مورخان ایرانی مصائب را به عنوان حکم خداوندی در نظر می گرفتند. عطا ملک جوینی در کتاب خویش به نام تاریخ جهانگشای جوینی که شرح لشکر کشی های

تحتها لاتهار کلمه رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل...» و مژده ده آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشانراست باغ هایی که روان است از زیر آنها نهرها، هرگاه روزی میزند شوند از آن میوه ای گویند اینست همانکه روزی میزند بودیم از پیش»^{۲۵}

تفت از قریه هایی است که در اثر احمد بن حسین به تفصیل درباره آن مطلب آمده است. این قریه منبع اصلی تأمین آب شهر یزد بود^{۲۶} و شیوخ نعمت الهی که مرکز آنان در ماهان بود، در تفت خانقاهی ساخته بودند.^{۲۷} اخلاف شاه نعمت الله ولی، بینانگذار طریقت نعمت الهی در تفت زندگی می کردند. شرف الدین علی یزدی، مؤلف ظفر نامه نیز مقیم تفت بود.^{۲۸}

تفت نمونه ای از یک قریه مطلوب بود که همه چیز داشت. تفت دارای باغات، قنات، مسجد حمام، کوشکی برای تفریح و خانقاه بود و دهی پاکیزه، منظم و حاصلخیز به شمار می رفت. کوتاه سخن این که تفت آیینی یزد بود. قریه ای مطلوب که به شهری مطلوب متصل بود. در باغ های پیرامون شهر یزد مزارها، اقامتگاه ها و کوشک هایی وجود داشتند که گواه رونق یزد به شمار می رفتند. رونقی که به خواست خداوند متکی بود.

احمد بن حسین در کتاب خویش رونق یزد را ناشی از مسائلی



در مورد معجزات یا کراماتی که
در این کتاب مطرح شده اند
نباید با درک امروزی به آنها نگریم.
از دید احمد بن حسین و معاصران او،
این معجزات واقعاً روی داده بودند

احمد بن حسین در کتاب خویش
رونق یزد را ناشی از
مسایل اقتصادی نمی داند.
او با ارائه این گزارش ها در پی آن است تا
به خواننده یادآوری کند که
حقیقتی برتر سبب این رونق شده است.
از دید او، تدین و پرهیزگاری
سبب رونق و رفاه می شود

التجایوت ایهامات و سوالاتی را در زمینه دلایل او برای انتخاب
مطالب اثر وی مطرح می کند که دست کم باتوجه به علائق
مذهبی او قابل توجه هستند.

احمد بن حسین در منظم کردن اطلاعات کتاب خویش نیز
گزینشی عمل کرده است. دو روایتی که او درباره سقوط امویان و
پیروزی عباسیان مطرح می کند نشان می دهد که او چگونه
مطالبی را که متناسب با هدف خویش از تألیف کتاب می دیده،
مورد استفاده قرار داده است. قبلاً به گزارش او درباره قتل عام
امویان اشاره شد. این واقعه هرچند بدون شک از دید او یک
واقعه تاریخی در نظر گرفته شده اما فراتر از آن احمد بن حسین
آن را یک مسأله مذهبی تلقی می کرده است. گزارشی که او در
این باره ارائه کرده است گرچه در مواردی نادرست است اما نکته
پراهمیت دیگر این است که در ضمن آن او توجهی ویژه و
غیرستایشگرانه به عباسیان که مخالف علویان بودند از خود نشان
داده است.

احمد بن حسین در نخستین فصل این کتاب در ذکر تاریخ
یزد، برعکس دیدگاه یادشده، دیدگاهی متأثر از نفوذ معنوی
عباسیان درباره آنان دارد. موضوعی که او در این فصل مطرح
می کند، قیام ابومسلم خراسانی است که در نتیجه آن حاکم اموی
یزد به نام ابوالعلا کنار زده شد.^{۳۶} وی به مسیر حرکت ابومسلم از
خراسان و از طریق دامغان به فارس اشاره می کند. در این قسمت
احمد بن حسین تفصیلاتی درباره یزد ارائه می کند و موضوعی که
سبب ارائه این تفصیلات می شود این است که ابومسلم شخصی
به نام احمد بن محمد زمچی را برای تسخیر یزد روانه می کند.

در پایان گزارش مربوط به تسخیر یزد و مرگ ابوالعلا،
احمد بن حسین تنها در یک جمله به شکست امویان و تأسیس
خلافت عباسی اشاره می کند و پس از آن بی درنگ اطلاعاتی
درباره یعقوب لیث صفاری که نزدیک به یک سده پس از این
رویدادها می زیست، ارائه می دارد.^{۳۷}

آشکار است که احمد بن حسین به صورت تصادفی اطلاعات
مندرج در کتاب خویش را انتخاب و منظم نکرده است. گزارش
مربوط به لشکرکشی ابومسلم با روایت تاریخی فصول اولیه کتاب
تناسب دارد. گرچه اقدامات اولیه عباسیان نسبت به رقبای اموی
و علوی مقدمه ای برای ارائه گزارشی درباره حیات امامزاده ابوجعفر
به شمار می رود، با این همه احمد بن حسین گزارش مربوط به
روی کار آمدن عباسیان را در دو بخش و به صورت گزارش درباره
این دو مدعی در ستیز با هم ارائه کرده است.
از دیدگاه احمد بن حسین سیر تاریخ در زمینه جریانی دوگانه

نیز روی می داد. احمد بن حسین تنها مورخی نبود که چنین
می اندیشید. نظیر چنین دیدگاهی را می توان در سیاستنامه
خواجه نظام الملک یا جوامع التواریخ رشیدالدین فضل الله و
شماری دیگر از متون نیز یافت. اما در اثر احمد بن حسین ما با یک
نمونه مشخص که مربوط به یک ایالت می شود سروکار داریم.
آشفته گی هایی که در تاریخ جدید یزد در زمینه نام اشخاص و
ذکر تاریخ رویدادها وجود دارد، قبلاً توسط کلیفور ادموند با سورث
در مقاله: «دیالمة ایران مرکزی: کاکوئیان جبال و یزد»^{۳۸} مورد
بررسی قرار گرفته است. درباره وقایعی که پیش از آخرین سال های
سده هشتم / چهاردهم روی داده نمی توان اعتمادی کلی به
احمد بن حسین داشت. زیرا بخش اعظم اطلاعات فصل های
مربوط به این وقایع برگرفته از تاریخ یزد اثر جعفری است که
احمد بن حسین آنها را کامل کرده و توضیحاتی بدانها افزوده است.
معمولاً همواره نمی توان به این مطلب پی برد که احمد بن
حسین از دیگر منابع چگونه استفاده کرده است. اما در مقدمه
کتاب، فهرستی از کتاب های تاریخی و وقایع نگاری ها از جمله
جهان گشا و تاریخ طبری ارائه شده است.^{۳۹}
این آثار تاریخی اساساً کتاب هایی عمومی هستند که
گستره ای پهناور از نظر جغرافیایی را در بر می گیرند و با رویدادهایی
سروکار دارند که از چشم مرکز نشینان و امپراتوری ها نوشته
شده اند.

در تاریخ جدید یزد هرچه به یزد ارتباط پیدا می کند
اهمیت دارد.

درباره مقدار اندک اطلاعات کتاب درباره سامانیان قبلاً
اشاره ای شد. اما احمد بن حسین معیارهایی دیگر نیز برای گزینش
مطالب و درج آنها در اثر خویش نیز داشت.

مثلاً از دیدگاه احمد بن حسین، مهمترین اقدام در عهد
ایلخانان، گروش اولجاویتو به تشیع بود.^{۴۰} اما درباره گروش غازان خان به
اسلام مطلبی ذکر نشده است. اصلاحات غازان خان نیز مورد توجه
احمد بن حسین قرار نگرفته اند ولو هیچ اشاره ای بدانها نمی کند.
درباره ایلخانان اولیه نیز گرچه ضرورت داشت تا مطالبی نوشته
شود، اما احمد بن حسین هیچ اشاره ای بدانها نکرده است و در
گزارش او اقدامات اتابکان یزد نسبت به اخبار مربوط به سروران
مغول آنان در درجه اول اهمیت قرار گرفته است. از اقبال بلند
یزدیان، اتابکان بدون جنگ تسلیم مغولان شدند و این اقدام
هوشمندانه و محتاطانه، یزد را از تأثیرات همه جانبه یورش مغولان
در امان نگه داشت. اما بنابر گزارش رشیدالدین آنان کاملاً از این
تأثیرات در امان نماندند.^{۴۱} در نتیجه تأکید احمد بن حسین بر تشیع

مغولان است. مصیبت هایی که نظیر ویرانی شهرهای بزرگ،
قتل عام ساکنان آنها بر دست لشکریان چنگیز خان و جانشینانش
را به عنوان دآوری و حکم خداوند گزارش می کند.^{۴۲} اما جویی
به رویدادها از سطحی کاملاً متفاوت توجه می کند. افزون بر
آن، او ویرانی سرزمین های اسلامی را به دست کافرانی بی دین
گزارش می دهد و این رویدادی بی سابقه بود. اما احمد بن حسین
در گزارش خویش درباره جنگ خانگی شاهزادگان تیموری این
رویدادها را به عنوان جنگ امرایی مسلمانان با یکدیگر ارائه می کند
که بر سر سلطه بر یک امپراتوری اسلامی یا هم نبرد می کردند
و این حالت پذیرفتنی تر بود.

با وجود این، قحطی و بیماری های مسری عموماً نتیجه
ستمگری، جنگ و حکومت نادرست به شمار می روند. شبیه
تمام امور دیگر، حکومت نادرست مجاز از سوی خلایق بر شمرده
می شد. امری که نظیر دیگر اعمال خداوند فراتر از فهم انسان
قرار می گرفت. حکومت عادل و درست نظیر حکومت شاهرخ
تیموری نیز خواست خداوند تلقی می شد و از دید نویسنده در
عصر حکومت حاکمی عادل و نیک، یزد رونق می یافت. اگر
سلطان عادل بر قلمروی وسیع حکومت می کرد، حاکمانی
درستکار در ایالات منصوب می شدند. اما اگر حاکم فردی بومی
نظیر مبارزالدین می بود، به مراتب بهتر بود.

فصل ماقبل آخر کتاب شرح نوعی حکومت نادرست در
عهد جانشینان شاهرخ است. جنگ های داخلی که جانشینان
شاهرخ با یکدیگر به راه انداختند، هزینه سنگینی را بر خزانه
آنان تحمیل می کرد و از این رو آنان مبالغ گزافی مالیات از
رعایای بد اقبال خویش به زور می گرفتند. بنابر آنچه احمد بن
حسین احتمالاً در کمال صداقت گزارش می دهد سرزمین های
تحت حاکمیت جانشینان شاهرخ دچار خسارت های جدی شد.^{۴۳}
هنگامی که جهانشاه قراقویونلو، چغتاییان را از یزد بیرون
راند، مصیبت های یزد پایان نیافت.^{۴۴} بدبختانه بیرون راندن
چغتاییان برای اعاده دوران رونق یزد بسنده نبود. دیوانیانی که
به یزد اعزام می شدند قادر نبودند ویرانی هایی را که می دیدند،
بازسازی کنند و بعضی از آنها نیز چندان علاقه ای به این کار
نداشتند. قحطی، بیماری های مسری و سیل از بدبختی های
دیگری بودند که پس از تمام جنگ های جانشینی به سراغ یزد
آمدند. معنای این وضعیت روشن بود: حکومت خوب به معنای
رونق کشاورزی و امنیت برای مردم به شمار می رفت، حکومت
بد و نادرست در صورتی که تحت مراقبت قرار نمی گرفت باعث
مصیبت می شد. مصیبتی که حتی در جایی پررونق مانند یزد

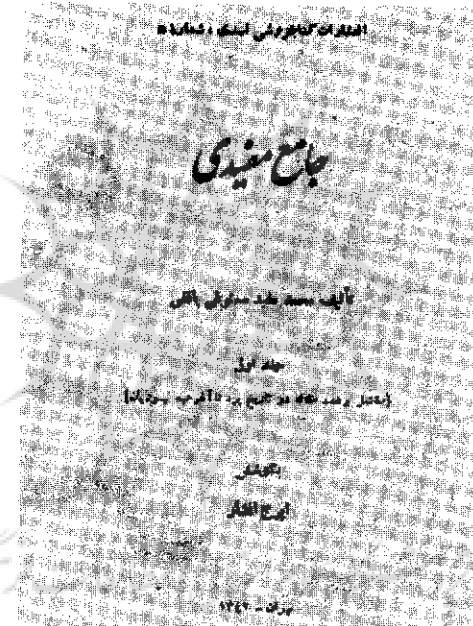
تاریخ یزد

تأليف: احمد بن حسین یزدی
تصحیح و تفسیر: محمد تقی میرزا
چاپ اول: ۱۳۲۸ هجری قمری
مطبع: مطبعه مطهریه
توزیع: انتشارات علمی و فرهنگی



یزد در سده نهم کانون پررونق و پیشرفته تجارت پارچه بود. آنچه بیش از هر چیز قابل توجه می نمود، وجود شمار قابل توجهی مدرسه در یزد بود که تعداد آنها به بیست و نه مدرسه می رسید. بر این مورد می توان موقوفات فراوان رکن الدین قاضی و فرزندش شمس الدین را افزود که هر دو از دیوانسالاران دولت ایلخانی بودند

این مطلب که در سده نهم / پانزدهم دو مورخ تاریخ محلی یزد ظهور کردند، تصادفی نیست. این دو مورخ را می توان هم برآیند جامعه پررونق یزد که به توصیف آن پرداخته اند در نظر گرفت و هم به مثابه نماینده شکوه جامعه و شهر یزد به شمار آورد



از روند سلسله ای از حاکمان نیک و حاکمان بد پیش می رود. اما یزد در این زمینه خوش اقبال بود. از دید او اغلب حاکمان یزد، فرمانروایانی نیکو بودند. حاکمانی که می دانستند یزد مکانی پررونق و زیباست و می کوشیدند تا بر رونق و زیبایی آن بیفزایند. از این دیدگاه تاریخ و شرح رویدادها عملی خوش بینانه به شمار می رود. احمد بن حسین حتی در فصل آخر هنگامی گزارش خویش را درباره قحطی، وبا و سیل به پایان می برد، این فصل را مشخصاً با اشاره ای به همین خوش بینی خاتمه می دهد. او در این بخش اشاره می کند که حاکم جدید یزد به نام نظام الدین حاجی قنبر وارد شهر شد^۳ و دیوانخانه ای در ارگ شهر ساخت و موقوفه ای برای آستانه امامزاده ابو جعفر اختصاص داد^۴ و پس از آن دستور داد تا کتیبه ای برای مسجد جمعه تهیه شود. احمد بن حسین نام خوشنویس کتیبه و دیگر نمونه های کار او را ذکر کرده است و با این گزارش تاریخ جدید یزد به اتمام می رسد.^۵ در این بخش تلویحاً به این نکته اشاره می شود که تاریخ یزد خاتمه نیافته است بلکه در عصر حاکم جدید وارد دوران تازه ای از رونق خویش گشته است. حاکمی که نشان داده بود که نیک کردار است.

بخش های پایانی کتاب انعکاسی از دیدگاهی است که بر سراسر کتاب چیره است: زیبایی شهر و ایالت یزد، اهمیت اساسی و نقش مهم تقوا و دینداری در این اثر و اهمیت حکومت نیک برای پیشرفت و رونق شهر مسایل اصلی مرتبط با این دیدگاه هستند.

پی نوشت ها:

* مشخصات مقاله انگلیسی این است:
Isabel Miller: Local History In NINTH / FIFTEENTH CENTURY YAZD: The TARIKHI JADID-I YAZD. IRAN. Journal of Persian Studies. vol XXVII. No 2. ۱۹۸۹. pp. ۷۵-۷۹.

۱. See. J. Aubin. Deux Sayyids de Bam au XV'siecle (Wiesbaden, ۱۹۵۶). Avantpropos.
۲. J. Woods, The rise of Timurid Historiography' JNES. XLVI (۱۹۸۷) pp. ۸۱-۱۰۸.
۳. تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۸، ص ۶.

۴. همان کتاب، ص ۷.
۵. همان کتاب، ص ۲۴.
۶. همان کتاب، ص ۳۶.
۷. همان کتاب، ص ۳۵.
۸. همان کتاب، ص ۴۱.
۹. همان کتاب، ص ۹۷.
۱۰. همان کتاب، صص ۸۹-۱۰۸.
۱۱. همان کتاب، صص ۸۵، ۸۷.
۱۲. همان کتاب، صص ۲ و ۳.
۱۳. همان کتاب، ص ۷.
۱۴. همان کتاب، صص ۸-۱۵.
۱۵. همان کتاب، ص ۱۵۱.
۱۶. همان کتاب، ص ۱۵۲.
۱۷. همان کتاب، ص ۱۵۳.
۱۸. همان کتاب، صص ۸، ۸۷-۸۸.
۱۹. همان کتاب، ص ۱۶۴.
۲۰. همان کتاب، صص ۷-۱۶۶.
۲۱. همان کتاب، ص ۱۹۲.
۲۲. همان کتاب، ص ۱۷۹.
۲۳. همان کتاب، ص ۱۸۷.
۲۴. جامع الخیرات، به کوشش ایرج افشار، در: یادگارهای یزد،

احمد بن حسین در منظم کردن اطلاعات کتاب خویش نیز گزینشی عمل کرده است. دو روایتی که او درباره سقوط امویان و پیروزی عباسیان مطرح می کند نشان می دهد که او چگونه مطالبی را که متناسب با هدف خویش از تألیف کتاب می دیده، مورد استفاده قرار داده است

سده نهم هجری / پانزدهم میلادی شاهد شکوفایی قابل توجه تاریخ نویسی توسط یزدیان بود

تهران، ۱۳۴۸.
۲۵. ترجمه شده توسط آربری. قرآن مفسر، لندن، ۱۹۵۵، ص ۳۲.
[قرآن کریم. سورة بقره. آیه ۲۵؛ ترجمه محمد کاظم معزی]
۲۶. تاریخ جدید یزد، پیشین، صص ۱۹-۲۱۴.
۲۷. همان کتاب، ص ۲۱۶.
۲۸. همان کتاب، ص ۲۱۷.
۲۹. تاریخ جهانگشای جوینی، به کوشش محمد قزوینی، ۳ جلد (چاپ لیدن و لندن، ۱۹۱۲، ۱۹۱۶، ۱۹۳۷)
۳۰. تاریخ جدید یزد، پیشین، صص ۱۱-۱۰.
۳۱. همان کتاب، ص ۲۶۷.
۳۲. IRAN. VIII. (۱۹۷۰) pp. ۷۳-۹۵.
۳۳. تاریخ جدید یزد، پیشین، ص ۵.
۳۴. همان کتاب، ص ۳۷.
۳۵. Tarikh-i Mubarak-i Ghazani. ed. k. Jahn. GMS (London and Leiden. ۱۹۴۰) p. ۵۵-۶.
۳۶. تاریخ جدید یزد، پیشین، صص ۶-۵۵.
۳۷. همان کتاب، ص ۵۶.
۳۸. همان، ص ۲۸۱.
۳۹. همان، صص ۲-۲۸۱.
۴۰. همان، ص ۲۸۵.